

تأثیر اندیشه‌های قرآنی و مضامین شیعی بر معماری اماکن مذهبی اصفهان عصر صفوی (مطالعه موردی: مسجد جامع عتیق، شیخ لطف‌الله و مسجد حکیم)

چکیده

دوره صفویه با تعیین مذهب شیعه به‌عنوان رسمی در ایران و حمایت از انگاره‌های فرهنگی این مذهب باعث ایجاد تحولات عمیقی در مضامین مذهبی هنرهای مختلف به‌خصوص معماری شد. با توجه به کثرت تعداد مساجد اسلامی ضرورت بررسی تحولات مضمونی در راستای تقویت مذهب مطرح می‌شود. مسجد به‌عنوان یکی از بارزترین سازه‌ها، همیشه مورد توجه مطالعات معماری، اجتماعی و گردشگری بوده است. نحوه بنا و ساختمان این سازه‌ی معنوی در به‌کارگیری حد اعلی فن و هنر باعث می‌شود که همیشه شاخص‌ترین نمونه جهت مطالعه سیر تحول معماری ایرانی-اسلامی باشد. تأکید این پژوهش بر بناهای تاریخی مانند مسجد جامع عتیق، مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد حکیم می‌باشد که این بناها بیشتر از چه جنبه‌هایی تحت تأثیر اندیشه‌های قرآنی و مضامین شیعی واقع شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از افزایش نسبی مضامین قرآنی و شیعی در مساجد موجود در اصفهان است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر اندیشه‌های قرآنی و شیعی بر معماری مساجد اصفهان دوره صفوی.
۲. مطالعه نحوه تأثیرپذیری مساجد اصفهان در دوره صفوی از اندیشه‌های قرآنی و شیعی.

سوالات پژوهش:

۱. آیا آموزه‌های قرآنی و شیعی بر معماری مساجد اصفهان در دوره صفوی تأثیر داشته است؟
۲. تأثیرپذیری مساجد اصفهان در دوره صفوی از آموزه‌های قرآنی چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: اندیشه شیعی، معماری اصفهان، مسجد جامع عتیق، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد حکیم.

مقدمه

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر ایران پس از اسلام، دوره صفویه است. هنر این دوره، در بسیاری از زمینه‌ها، ادامه هنر شکوفای دربار تیموری بود، اما از نظر مضامین هنری، تحت تأثیر عرفان شیعه قرار داشت؛ از این‌رو در دوره صفویه، هنری شیعی شکل گرفت و اشاعه یافت. بررسی آثار هنری این سده‌ها، از جمله نقاشی، کتیبه‌ها، معماری و تزئین مساجد و مقابر، بیانگر علاقه‌ای است که پادشاهان صفوی به تشیع و پیشوایان این مذهب داشته‌اند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰: ۹۹). در این دوران، بر اثر حمایت همه‌جانبه پادشاهان، مراکز هنر و صنعت در ایران گسترده شد و هنر معماری، کاشی‌کاری، تذهیب، نقاشی و قالی‌بافی رونقی به‌سزا یافت (رضایی، ۱۳۷۸: ۱۹۱)؛ از این‌رو می‌توان سده‌های دهم و یازدهم هجری را دوران شکوفایی و تجدید حیات هنری ایران دانست (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). هنر معماری اصفهان در این دوره، الهام‌گرفته از هنر اسلامی است که فراتر از تجربه زیباشناختی است. در واقع جلوه‌ای نمادین از حقیقتی والاتر است که انسان را از کثرت جهان ماده به وحدت الهی می‌رساند. در این گونه معماری، قداستی بر فضا حاکم است که بر اثر آن انسان خود را در برابر خدا حس می‌کند. پادشاهان و هنرمندان معمار این دوره بر ایجاد نوعی وحدت و یکپارچگی تأکید داشته‌اند تا بدین ترتیب بتوانند وحدت الهی را تداعی کنند.

در میان گرایش‌های متفاوت در هنر اسلامی، هنر شیعی دارای جایگاهی ویژه و مشخصاتی منحصر به فرد است که آن را از سایر مکاتب هنر اسلامی متمایز می‌سازد. در بررسی کیفیت تأثیر تشیع بر هنر معماری، آن‌چه در بیشتر مواقع مورد غفلت واقع می‌شود، تأثیراتی است که تشیع بر هنرمند، باورهای او و دریافته‌ش، همچنین بر نگاهش به عالم و بر کیفیت تجلی این عقاید در دلش می‌گذارد. رواج و گسترش اندیشه‌های شیعی در عصر صفوی و در چارچوب مکتب فلسفی اصفهان، سرآغاز نوآوری‌های بی‌شماری شد که یکی از نمونه‌های آن مساجد اصفهان است. اکنون این سؤال به ذهن خطور می‌کند که معماری مساجد اصفهان از مفاهیم قرآنی و آموزه‌های شیعی چه تأثیراتی پذیرفته است و اساساً این آیات و روایات مندرج و منقوش بر دیوارهای مساجد، چه تأثیری بر بازنمایی هنر تشیع در این دوره دارد؟ می‌توان گفت که مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر اجتماعی برای خلوت‌گزینی و ستایش خداوند، بهترین مکان برای عینیت بخشیدن به تفکر و بیان متعالی‌ترین باورهای اعتقادی به‌شمار می‌آید. معماران و هنرمندان همواره سعی می‌کردند که بهترین تجربه‌ها و ابتکارهای خود را در بنای مساجد به‌کار گیرند تا عالی‌ترین نمونه‌های معماری را خلق کنند. در مساجد مکتب اصفهان که تحت یک قدرت سیاسی واحد شکل گرفتند و دارای طرحی از پیش تعیین شده بودند، انتظار می‌رود که همه و یا حداکثر تمهیدات توسط معمار با توجه به نظام فکری حاکم اندیشیده شده باشد (اهری، ۱۳۷۸: ۶۲). تجلی عناصر شیعی بودن از ویژگی‌های معماری عصر صفوی به‌شمار می‌رود (شریعت، ۱۳۸۶: ۴۵) و این پادشاهان شیعه نیم قرن به‌طور متناوب از این هنر حمایت کردند.

عبداللهی‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوایی کتیبه‌های قرآنی مساجد جامع گوهرشاد مشهد و حکیم اصفهان» نتیجه گرفتند که به دلیل اختلاف مذهب در این دو دوره (تیموریان و صفویان) بیشتر کتیبه‌هایی که در گوهرشاد مشهد (تیموریان) نگارش یافته، به مسائل کلی و اصولی دین اسلام از جمله مسئله توحید و یگانگی خداوند، معاد یا مسائل کلی از این دست پرداخته شده است، ولی در کتیبه‌های مسجد حکیم ضمن پرداختن به آیاتی در این خصوص آیات و احادیثی در مورد اهل بیت نیز دیده می‌شود. در کتیبه‌های مسجد گوهرشاد، خط ثلث بیشترین کاربرد را در میان خطوط دیگر داشته و نقوش ختایی، اسلیمی هم‌زمان در تزئینات این بنا، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در مسجد حکیم اصفهان، خط شاخص در کتیبه‌نگاری، کوفی است و اکثر کتیبه‌ها به همین خط نگارش شده‌اند.

سوره‌های توبه، اسراء، جمعه، دهر، اخلاص و آیه‌الکرسی از جمله سوره‌های مشترک میان این دو مجموعه است. با اینکه دو مسجد گوهرشاد و حکیم در ساختار ساختمانی و محتوای کتیبه‌ها دارای اشتراکاتی هستند، اما غنای تزئینی و کتیبه‌های قرآنی مسجد گوهرشاد بیشتر از مسجد حکیم است. سودائی و خانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «آرایه‌های نمادین شیعی در مسجد جامع ورامین» بیان می‌کنند که هنرهای سنتی مانند گچ بری، کاشی کاری و آجرکاری، در معماری ایرانی به‌خصوص در معماری مساجد جایگاه ویژه‌ای دارد. از زمان ورود اسلام به ایران، شاهد دگرگونی وسیعی در شکل، محتوا و محل اجرای این هنرها در معماری هستیم که ناشی از بستر اجتماعی-مذهبی جوامع است. از زمان پیدایش اسلام در ایران شاهد تغییرات گسترده کالبدی و غیرکالبدی در معماری مساجد بوده‌ایم. تغییر شکل آرایه‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله بستر سیاسی-اجتماعی جوامع قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر توصیف و مطالعه آرایه‌های مسجد جامع ورامین به منظور شناسایی تفکرات مذهب شیعه و روند تغییرات در شکل و محتوای آن و بررسی تأثیر بستر اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل دخیل در این دگرگونی‌ها است. سؤال‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱- نقوش منتسب به مذهب شیعه در مسجد جامع ورامین کدام‌اند؟ ۲- آیا بستر اجتماعی و حوادث تاریخی قرن هفتم در به کارگیری آرایه‌های شیعی در مسجد جامع ورامین نقش دارد؟ این پژوهش با روش تاریخی-تحلیلی و از طریق بررسی اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به گردآوری داده‌ها پرداخته است. پس از تحلیل و جمع‌بندی به نتیجه‌گیری در مورد چگونگی تغییرات در شیوهی اجرا (گچ‌بری به آجر و کاشی کاری رنگی)، استفاده از نقوش طبیعی گیاهی به شکل هندسی پیچیده و اسلیمی، مضمون کتیبه‌ها (استفاده از آیات قرآن، اسامی مقدس امامان و احادیث و ادعیه) و محل کاربرد آرایه‌ها در فضای داخلی مجاور محراب به فضای بیرونی پرداخته و در ادامه به ظهور و تقویت تفکرات شیعی در آرایه‌های خوشنویسی جهت تأکید حکومت وقت بر مذهب شیعه را بیان می‌کند.

رستمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در تبلور و شکوفایی مضامین و مبانی هنر شیعی در معماری دوران تیموری و صفوی (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد و مسجد شیخ لطف‌الله)» بیان کردند که هویت معماری اسلامی در همه جهان با وجود تنوعات زبانی و تمدنی یکسان است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد، به‌کارگیری اندیشه‌ها و فرامین معنوی هنر شیعی با تمرکز بر سه باور این مذهب یعنی عدل، عصمت و اعداد مقدس و براساس سه عنصر پیام‌رسانی از جمله: رنگ، نور و نقش به استناد آیات قرآنی در آثار دوران تیموریان و صفویان، چگونه بوده و تأثیرپذیری و پیشرفت این مضامین در کدام دوره بیشتر بوده است. پیریایی و آقاداتی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری مسجد امام (ره) بروجرود با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری» نتیجه گرفتند که بنای مذکور که به لحاظ نوع از انواع مساجد سلطانی و از لحاظ ساختاری از مساجد بازاری محسوب می‌شود، دربردارنده غالب هنرهای ایرانی-اسلامی وابسته به معماری اعم از کاشی‌کاری‌ها، رسمی‌بندی‌ها، حجاری و هنرهای فلزی نفیسی است که هر یک در جای خود شایسته مطالعه‌ای عمیق است. علی‌پور و پورمند (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تبیین مفاهیم امامت و ولایت در کتیبه‌های مذهبی ادوار مختلف (بررسی موردی دوره تیموری و صفوی)» کتیبه‌های مسجد گوهرشاد، مدرسه پریراد و مدرسه دو در خراسان دوره تیموری و مسجد امام، مسجد حکیم و مدرسه چهار باغ اصفهان دوره صفوی را به لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که گرچه در دوره تیموری، حاکمیت، احترام زیادی برای ائمه اطهار قائل بود، اما مفاهیم شیعی به‌صورت غیرمستقیم در مفاد کتیبه‌های مذهبی منعکس شده است. با رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی، این مفاهیم در متن کتیبه‌های مذهبی، آشکارا ظهور یافته‌اند.

طاهر طلوع دل و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی مانایی ماهیت انگاره‌های قدسی در معماری اصیل اسلامی ایران مبتنی بر شناسایی هویت پایدار کالبد مساجد جامع ایرانی» نتیجه گرفتند که هنر معماری اسلامی ایران جلوه‌گاه تحقق امر قدسی در کالبد فیزیکی هنر اسلامی در عین تأمین نیازهای اجتماعی در صورت و معنی است. با رعایت اصل یکپارچگی یا وحدت در عین کثرت، در عملکرد لازم مساجد جامع ایران اسلامی، عامل این اصل اساسی فلسفی در ضمن ماهیت محفوظ بنای مساجد جامع ایرانی به گونه‌ای هنرمندانه و هوشمندانه نهادینه شده است.

نتیجه‌گیری

معماری در جهان اسلام یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به‌شمار می‌رود. از لحاظ تاریخی، معماری اولین هنری به‌شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نماید و از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. معماری اسلامی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. در یک نگاه جامع‌نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در بناهای اسلامی بازشناسی کرد که موجب شده تمامی آن‌ها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یک‌دیگر قرار گیرند. در این میان اهمیت تزئینات خوش‌نویسی و شکل مسجد، دو ویژگی اصلی هنر و معماری اسلامی هستند که عمیقاً با ایمان اسلامی ارتباط داشته و در همان روزگار آغازین دین پیشرفت کردند. درواقع، مرکزیت قرآن در فرهنگ اسلامی و جذابیت ویژه شکل خط عربی سبب شد از کلام نوشتاری، به‌ویژه آیات قرآنی به‌عنوان کتیبه‌های مساجد استفاده گردد و نیز تزئینات خطاطی و شیوه‌های آن در تمام شاخه‌های هنر اسلامی پیشرفت نماید، اما این مؤلفه‌ها در مساجد بیشتر مورد استفاده قرار گرفت؛ در حقیقت، به یکی از نمادهای مهم معماری اسلامی، بالأخص در مساجد تبدیل شد. مساجد اصفهان از جمله مسجد عتیق، شیخ لطف‌الله و حکیم نیز به‌درستی از این قواعد تبعیت کرده و در ضمن اندیشه مینیاتوری هنر ایرانی را نیز به آن افزوده‌اند؛ درواقع، در این مساجد روح قرآن، به همراه اندیشه اسلامی در معماری و البته لطافت روح و هنر ایرانی موج می‌زند و چونان شناسنامه‌ای شده است که علاوه بر نمایاندن ابعاد و مختصات معماری اسلامی، چونان عظمتی بزرگ بر تارک معماری ایران و البته اصفهان می‌درخشد.

منابع و مأخذ:

- الاصفهانى، محمد؛ مهدى، ابن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فى تعريف الاصفهان، تصحيح ستوده، تهران: انتشارات امير كبير.
- افضل الملك، غلامحسين. (۱۳۸۰). سفرنامه اصفهان، به كوشش ناصر افشار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، كتابخانه، موزه، مركز اسناد مجلس شورى اسلامى.
- اهرى، زهرا. (۱۳۸۵). مكتب اصفهان در شهرسازى دستور زبان طراحى شالوده شهرى، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بايرن، رابرت. (۱۹۵۰). سفرنامه، ترجمه لیلی امیری، تهران: نشر سرمه.
- بلر، جاناتان و بلوم، شىلا. (۱۳۹۱). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر سمت.
- پوپ، آرتور. (۱۳۸۷). معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشاری، تهران: نشر اختران.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۰). آشنایی با معماری اسلامی ایران «ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری»، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پیریایی، مهناز؛ آقاداتی، محی‌الدین. (۱۳۹۶). «شناسایی و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری مسجد امام (ره) بروجرد با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری». دو فصلنامه علمی-ترویجی نگارینه هنر اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص: ۱۸-۴.
- تاورنیه، ژان باتیس. (۱۳۸۳). سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، انتشارات نیلوفر، تهران.
- جوادى آملی، علی. (۱۳۸۱). صهبای حج. قم: مرکز نشر اسراء.
- خاک‌زند. مهدی. (۱۳۹۴). درآمدی بر معماری و شهرسازی از منظر قرآن و اسلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- رستمی، محسن؛ رستمی، ثریا و یاسری، نگین. (۱۳۹۸). «پژوهشی در تبلور و شکوفایی مضامین و مبانی هنر شیعی در معماری دوران تیموری و صفوی (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد و مسجد شیخ لطف‌الله)». معماری‌شناسی، شماره ۱۲، صص: ۱۵-۱.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۷۸). گنجینه تاریخ ایران. جلد ۱۲، تهران: انتشارات اطلس.
- رفیعی سرشکی، بیژن؛ رفیع‌زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ مهرازی (معماری). تهران: مرکز تحقیقات و ساختمان و مسکن.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: سلسله انتشارات مجموعه آثار ملی.
- سون، سان. (۱۳۴۶). سفرنامه. ترجمه دکتر تقی تفضلی. تهران: بی‌نا.
- سودائی، بیتا؛ خانی، حسین. (۱۳۹۸). «آرایه‌های نمادین شیعی در مسجد جامع ورامین». هنر اسلامی، ۱۵ (۳۴)، صص: ۷۱-۴۷.
- شاردن، ژان. (۱۳۴۵). دائرةالمعارف تمدن ایران سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. جلد هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۹). تاریخ و شناخت ادیان. ج ۲، تهران: دفتر تدوین مجموعه آثار شریعتی.

شریعت، زهرا. (۱۳۸۶). «تزئینات کتیبه‌ای استان مقدّس قم». فصلنامه علمی پژوهشی هنر اسلامی، شماره ۷..

صدر، امیر محمد. (۱۳۸۱). معماری اسلامی. اصفهان: نشر نوبهار.

طاهر طلوع دل، محمد صادق؛ مهدی نژاد، جمال‌الدین و صادقی حبیب‌آباد، علی. (۱۳۹۵). بازشناسی مانایی ماهیت انگاره‌های قدسی در معماری اصیل اسلامی ایران مبتنی بر شناسایی هویت پایدار کالبد مساجد جامع ایرانی. معماری شهری پایدار، شماره ۲، صص: ۱۷-۳۰.

عبداله‌ی فرد، ابوالفضل؛ اولادقبا، منظر بانو و شکرپور، شهریار. (۱۳۹۸). «تحلیل محتوایی کتیبه‌های قرآنی مساجد جامع گوه‌رشاد مشهد و حکیم اصفهان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره هفتم، صص: ۱۶۱-۱۷۶.

علی‌پور، مرضیه؛ پورمند، حسنعلی. (۱۳۹۵). «تبیین مفاهیم امامت و ولایت در کتیبه‌های مذهبی ادوار مختلف بررسی موردی دوره تیموری و صفوی». دو فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۲۰، صص: ۱۷۸-۲۴۰.

کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: انتشارات خوارزمی.

کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۴). تاریخ هنر معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.

_____ (۱۳۸۸). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم.

ماهرالنقش، محمود. (۱۳۷۶). معماری مسجد حکیم. بی‌جا: بی‌نا.

مبینی، مهتاب. (۱۳۹۵). بررسی تناسبات و تزئینات ورودی مساجد صفوی اصفهان (مطالعه موردی مساجد شیخ لطف الله، مسجد جامع عباسی و مسجد چهار باغ). سومین کنگره بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی-اسلامی، گلستان.

محدّثی، جواد. (۱۳۷۶). هنر در قلمرو مکتب. تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

مدد پور، محمد. (۱۳۸۴). تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). کلام، عرفان و حکمت عملی. ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.

معمارزاده، محمد. (۱۳۸۶). تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء (س).

منتظر القائم، اصغر. (۱۳۸۹). دانشنامه تخت‌فولاد. ج ۱، اصفهان: سازمان تفریحی فرهنگی شهرداری اصفهان.

موسوی گیلانی، سید رضی. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی. تهران: نشر ادیان و مدرسه اسلامی هنر.

نقره کار، عبد الحمید. (۱۳۷۸). معماری مسجد از مفهوم تا کالبد. اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر اصفهان.

نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). شهر و معماری اسلامی. تهران: نشر مانی.

هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. تهران: چاپخانه زیبا.